

باران و نذری

دانه دانه ریخت باران
روی دیگ نذری ما
روی پرچم های کوچه
توی دیس گرد خرما

مادر من ده کاسه آورد
آش ها را ریخت در آن
در تمام کوچه پیچید
بوی نذری بوی باران

مادر من پای نذری
ریز و نم نم گریه می کرد
در حیاط خانه با او
آسمان هم گریه می کرد



مهرزاد هاشمی



تصویرگر: زهره افطاسی